

# تاریخ‌نگاری سازمان‌های اطلاعاتی: از تقویت هویت

## ملی تا منبعی برای روایت تاریخ

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۲۲

غلامرضا سالار کیا \*

### چکیده

این پژوهش به چرایی تاریخ‌نگاری سازمان‌های اطلاعاتی در نظام‌های سیاسی می‌پردازد. تاریخی که بخش عمده‌ای از آن یا به دلیل پنهان‌کاری مستتر در فعالیت‌های اطلاعاتی از انظار مخفی شده است یا ملاحظات و مصالح سیاسی یا غفلت از این مهم، مدفن آن گردیده است. در این پژوهش به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال هستیم که «نوشتن و ثبت تاریخ سرویس‌های اطلاعاتی چه کمکی به امنیت ملی می‌کند؟» هدف از انجام این پژوهش، روشن‌ساختن ابعاد تاریخ‌نگاری سازمان‌های اطلاعاتی و تأثیر آن در امنیت ملی است. داده‌های مورد نیاز از طریق منابع ثانویه و سپس مصاحبه با شش نفر از خبرگان موضوع گردآوری شده است. داده‌ها نیز به روش تحلیل موضوعی و با استفاده از کدبندی باز، کدبندی محوری و کدبندی گزینشی تحلیل شده‌اند. به این منظور در ابتدا به نقش سازمان‌های اطلاعاتی در کشورداری پرداخته می‌شود و سپس هفت دلیل تاریخ‌نگاری سازمان‌های اطلاعاتی که نتیجه پژوهش می‌باشد، ذیل سه بعد اصلی معرفی می‌گردد.

واژگان کلیدی: تاریخ‌نگاری، سازمان‌های اطلاعاتی، سیاست‌گذاری، مطالعات اطلاعاتی

\* عضو هیئت علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

## مقدمه

در سال ۲۰۰۰ سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) اسنادی ۲۰۰ برگی با عنوان «سرنگونی مصدق نخست وزیر ایران» یا در اصطلاح، اسناد «ویلبر» را برای انتشار در اختیار نیویورک تایمز قرار داد. اسناد ویلبر، اطلاعات ارزشمندی را از نحوه کودتای ۲۸ مرداد با نام رمز تی‌پی‌آژاکس در اختیار قرار می‌دهد و تنها بخش سانسور شده آن، پیوستی است که نام افراد سهیم در کودتا شامل سیاستمداران ایرانی، روزنامه‌نگاران، سناتورها و نمایندگان مجلس را شامل می‌شود. این اسناد نشان می‌دهند که تا چه حد سازمان سیا و وزارت امور خارجه آمریکا از سال ۱۹۵۱ تا زمان سقوط حکومت پهلوی، درگیر مداخله در سیاست داخلی ایران بودند. در سال ۲۰۱۳ نیز بخش دیگری از اسناد سیا در مورد این کودتا که شمار آن‌ها به ۳۷۵ مورد می‌رسد و شامل ۹۷۰ صفحه است، منتشر شد. در سال ۲۰۰۷ رئیس وقت سیا، مایکل هایدن دستور از طبقه‌بندی خارج کردن اسناد ۷۰۲ صفحه‌ای معروف به «جواهرات خانوادگی» به همراه مدارک دیگری را صادر کرد. این اسناد شامل عملیات‌های شنودگذاری داخلی، طرح‌های ترور ناموفق، آزمایشات کنترل ذهن و جاسوسی بر روی خبرنگاران بود. سیا در سال ۲۰۱۷ نیز ۱۳ میلیون صفحه از اسناد خود را که در خصوص فعالیت‌های سازمان در ویتنام، کره و جنگ سرد بود، منتشر کرد.

موارد فوق مثال‌هایی از نقش دستگاه‌های اطلاعاتی در تحولات سیاسی جهان است که پنهان کاری ذاتی حاکم بر فعالیت‌های اطلاعاتی مانع از افشای آنها و آگاهی عمومی از واقعیت‌های تاریخی شده است. این در حالی است که رویدادهای تاریخی به ویژه رویدادهای سیاسی و امنیتی ۱۰۰ سال اخیر (مانند انقلاب‌های رنگی در اروپای شرقی، یازده سپتامبر و جنگ متعاقب آن با افغانستان و عراق، جنگ دوم قره‌باغ در سال ۲۰۲۰، ترور دانشمندان هسته‌ای ایران) عمدتاً تحت تأثیر کنش‌ها و اقدامات نهادهای اطلاعاتی بوده‌اند. انتشار اسناد و افشای نقش دستگاه‌های اطلاعاتی در این رویدادها می‌تواند بعد پنهان وقایع داخلی و بین‌المللی را آشکار کرده و بدین ترتیب نقش و تأثیرگذاری یک کشور در وقایع داخلی دیگر کشورها را روشن کند، افراد و بازیگران دخیل در رویدادها را مشخص نماید و با از میان برداشتن توهم پردازی و اسطوره‌سازی، از تحریف تاریخ جلوگیری کند. علی‌رغم

آنکه دستگاه‌های اطلاعاتی رسالتی در خصوص روایت تاریخی ندارند و انتشار و افشای اسناد مربوط به اقدامات آنها برخلاف پنهان‌کاری حاکم بر جهان اطلاعات است، اما مثال‌های فوق نشان می‌دهند که کشورهای با سابقه بالا در مدیریت سرویس‌های اطلاعاتی مانند انگلستان یا ایالات متحده دست به انتشار اسناد اطلاعاتی درباره رویدادها و وقایع مهم تاریخی می‌زنند و فراتر از این، در انگلستان تاریخ رسمی سرویس‌های اطلاعاتی نگاشته می‌شود. البته در آمریکا و تا حدی در انگلستان، سنت انتشار خاطرات از سوی افسران و مدیران اطلاعاتی پیشین نیز روش دیگری برای روایت رویدادهای تاریخی با استفاده از داده‌های پنهان و طبقه‌بندی شده است که یک نمونه اخیر از آن انتشار کتاب «بی‌باک» خاطرات جان برنان رئیس سازمان سیا در دولت اواما است (Brennan, 2020).

از آنجایی که انتشار رسمی داده‌های طبقه‌بندی شده یا اجازه انتشار خاطرات مدیران و افسران اطلاعاتی پیشین، در هر صورت برخلاف ویژگی پنهان‌بودگی سازمان‌های اطلاعاتی است و حتی ممکن است با افشای برخی واقعیات، امنیت ملی کشورها را نیز به مخاطره بی‌افکند، سؤال این است که چرا نظام‌های سیاسی به ویژه قدرت‌های بزرگ، دست به مطالعات تاریخی در حوزه فعالیت‌های اطلاعاتی می‌زنند؟ اگر این اصل را بپذیریم که رسالت نهادهای اطلاعاتی کمک به تأمین امنیت ملی کشور متبوعشان است و تمامی فعالیت‌های این سازمان‌ها باید منطبق با این رسالت باشد، انتشار اسناد یا تاریخ‌نگاری اطلاعاتی (در اشکال مختلف) چه تأثیری در تأمین امنیت ملی دارد؟ بدین ترتیب، هدف از این نوشتار روشن ساختن کارکردها و ابعاد تاریخ‌نگاری سازمان‌های اطلاعاتی و تأثیر آن در امنیت ملی است.

در پاسخ به پرسش اصلی مقاله، فرضیه‌های زیر در نظر گرفته می‌شود:

الف) تاریخ نهادها و سازمان‌های اطلاعاتی منجر به فهم دقیق‌تر رویدادهای تاریخی و پدیده‌های سیاسی می‌شود.

ب) نگارش تاریخ نهادها و سازمان‌های اطلاعاتی، مؤلفه‌ای هویت بخش برای نظام‌های سیاسی است و به آنها کمک می‌کند که با استناد به داده‌ها و اسناد طبقه‌بندی شده از تحریف تاریخ ملی خود توسط دیگران جلوگیری کنند.

ج) تاریخ‌نگاری سازمان‌های اطلاعاتی منجر به تقویت اطلاعات (چه به مثابه یک حرفه یا چه به مثابه یک حوزه مطالعاتی) می‌شود.

### الف. نقش سازمان‌های اطلاعاتی در کشورداری

جاسوسی به عنوان زیربنای کار اطلاعاتی برای قرون متمادی به عنوان «یک ضرورت کثیف» (وارنر، ۱۳۹۴: ۱۲) در کشورداری به به شمار آمده است که از آن با عنوان کاری که باید انجام داد و نباید از آن حرف زد، (Pateman, 2003: 20) یاد شده است؛ چرا که سازمان‌های اطلاعاتی برای قرن‌ها خود را به عنوان ماشین توطئه‌سازی بازنمایی کرده‌اند (Ransom, 1984: 205). تنها در یک‌صدسال اخیر است که با درک اهمیت اطلاعات نزد سیاست‌گذاران، این حرفه بسط یافته و به حرفه اطلاعات و نه جاسوسی (رویکردی تقلیل‌گرایانه) تغییر یافته است. به طور کلی باید پذیرفت که «در تاریخ نام هیچ کشوری به بزرگی برده نشده است مگر آن‌که توجه خاصی به اطلاعات داشته است» (دمارانش، ۱۳۸۰: ۱۶۲) و این نشان از اهمیت اطلاعات و اقدامات آن در کشورداری دارد. با این همه، اطلاعات به عنوان یکی از ابزارهای مهم کشورداری در قرن بیست‌ویکم از ضعف حافظه تاریخی بلندمدت در رنج است. اطلاعات تنها حرفه‌ای است که با توجه به حجم و گستره اقدامات و فعالیت‌ها، ادبیات کاملی از آن وجود ندارد یا در نگاهی محدودتر، در دسترس نیست. همان‌گونه که شرمن کنت پدر تحلیل اطلاعات ایالات متحده که خود یک تاریخ‌دان بود، در اوایل جنگ سرد اذعان می‌دارد «به این دلیل که حرفه اطلاعات از کمبود ادبیات دچار نقص است، روش‌ها، اصطلاحات و فرهنگ واژگان، مجموعه دکترین و حتی نظریه‌های بنیادین آن در خطر عدم نائل آمدن به بلوغ کامل قرار دارد» (Steury, 1994). حال پس از گذشت ۷۰ سال از این اظهارنظر با مقایسه وضعیت مطالعات اطلاعاتی با دیگر رشته‌ها و حرفه‌ها از جمله مدیریت، می‌توانیم ادعا نماییم که این نگرانی به قوت خود باقی است. به عبارت واضح‌تر، تجربه‌های تاریخی و آموزه‌های حاصل از تاریخ در حرفه اطلاعات به مراتب ناچیزتر از تمام حرفه‌های دیگر است زیرا سابقه‌های ضبط شده از اقدامات انجام شده در این حرفه اندک است یا اساساً وجود ندارد.

به هر روی با آن‌که براساس یک اجماع کلی در مطالعات اطلاعاتی، تعریف دقیقی از اطلاعات وجود ندارد، اما اطلاعات را می‌توان مجموعه فعالیت‌هایی نامید که با استفاده از روش‌های پنهانکارانه و پنهان پژوهانه تحت هدایت سیاست‌گذاران امنیت ملی برای ایجاد و تداوم برتری نسبت به رقبای و حریفان انجام می‌شوند. سازمان‌های اطلاعاتی به منظور جلوگیری از غافل‌گیری و ارائه درک درست از جهان پیرامون، به جمع‌آوری هرآنچه که شناخت کافی برای آنان فراهم نماید، مبادرت می‌ورزند. از این رو ایجاد اشراف کامل نسبت به حوزه‌های مورد علاقه و مؤثر در امنیت ملی، غایت فعالیت اطلاعاتی است؛ در عین حال سازمان‌های اطلاعاتی وظیفه دارند داشته‌هایی را که آن‌ها را نسبت به رقبای در برتری قرار می‌دهد، حفظ کرده و از لورفتن چنین مواردی جلوگیری نمایند. سیاست‌گذاران با استفاده از نهادهای اطلاعاتی، رقبای خود را گمراه کرده و تلاش می‌کنند بر تصمیمات آن‌ها تأثیرگذاری نمایند به گونه‌ای که یا امکان اخذ تصمیم صحیح را از آن‌ها سلب کرده یا به نحوی، فرایند تصمیم رقیب را در چارچوب صلاح‌دید خود تنظیم نمایند. در مجموع سازمان‌های اطلاعاتی امروزین چهار کارکرد جمع‌آوری داده و خبر، بررسی، ضداطلاعات (ضدبراندازی، ضدجاسوسی، حفاظت) و اقدام پنهان را در قالب سه نقش شناختی، نظارتی و اجرایی برای سیاست‌گذاران ارائه می‌دهند (ر. ک. به: میرمحمدی، سالارکیا، ۱۳۹۳).

چیزی که امروزه به طور نظام‌مند به عنوان فعالیت اطلاعاتی در جوامع مدرن تحت مدیریت سازمان‌های اطلاعاتی انجام می‌شود، در خلال تاریخ نیز به انحاء و اشکال دیگر به انجام رسیده است. حاکمان از جاسوسان برای جمع‌آوری اخبار سری استفاده می‌کردند و برای انتقال پیام‌های آنان از روش‌های مخفیانه و سری بهره می‌گرفتند، ارتباطات سری را برای جلب حمایت و اتحاد با دیگر حکومت‌ها و قبایل به خدمت می‌گرفتند، با حمایت پنهانی از مخالفان و شورشیان به ایجاد ناامنی در سرزمین‌های رقبای، قدرت داخلی آنان را کاهش می‌دادند و زمینه دخالت خود را فراهم می‌آوردند. نگاه تاریخی به اقدامات اطلاعاتی نشان می‌دهد که جوهره اطلاعات در خلال تاریخ تا امروز بی‌تغییر باقی مانده است. پنهان‌کاری به عنوان عنصر هستی‌شناختی (ر. ک. به: سالارکیا، ۱۳۹۱) این فعالیت، جایگاه خود را حفظ و تثبیت نموده و هرچه بیش‌تر یادآور این موضوع است که «اطلاعات درختی است که در تاریکی می‌روید» (Halevy in: Shpiro, 2001: 485). در عین حال،

ویژگی دیگری که در تمام طول تاریخ با اطلاعات بوده است، ماهیت خدماتی آن نسبت به کشورداری و حاکمان است. بنابراین می‌توان گفت در طول تاریخ آنچه که در دنیای اطلاعات بی‌تغییر باقی مانده، این است که در تمام دوران‌ها، فعالیت‌های اطلاعاتی و جاسوسی برای پنهان ماندن و خدمت‌رسانی پنهانی به حاکمان تلاش کرده است. همین ویژگی پنهان تاریخی موجب عدم ثبت وقایع و تحولات ناشی از جاسوسی در تاریخ‌نویسی‌ها شده و بر فراموشی و غفلت از نقش چنین اقداماتی دامن زده است. حتی در حال حاضر نیز این اقدامات به عنوان بعدی از کشورداری در زیر سایه سنگین پنهان‌کاری باقی مانده است. به همین دلیل است که کریستوفر اندرو و دیوید دیلکز اطلاعات را «بعد مفقوده» پژوهش‌های تاریخی می‌دانند که به طرز واضح و آشکاری در روابط بین‌الملل نادیده گرفته شده است (Christopher and Dilks, 1984). در همه اقدامات جاسوسی توسط زمام‌داران، هزاران نفر دست‌به‌کار بوده‌اند تا از افشای فعالیت‌های جاسوسی و اطلاعاتی ممانعت به عمل آورند و وجود این قبیل اقدامات را کتمان کرده و ردپای آن‌ها را پاک کنند. به عبارت دیگر، دورنگاه داشتن تصویر سازمان‌های اطلاعاتی از افکار عمومی یک ضرورت حفاظتی به شمار می‌رود چرا که تداوم موفقیت اطلاعات در کتمان آن است. به این پنهان‌کاری می‌بایست ویژگی دیگری نیز اضافه شود که به غفلت از اطلاعات و در نتیجه تاریخ‌نگاری آن دامن زده است؛ اطلاعات همواره یک عامل کمکی در کشورداری بوده است و نه اصلی؛ همان گونه که وارنر (۱۳۹۴: ۲۱) معتقد است «اطلاعات به خودی خود هدف نیست بلکه مکمل تدابیر دیگر است؛ در پی پرکردن شکاف‌های آن‌هاست و اثرگذاری آن‌ها را تقویت می‌کند و باید این نکته را قبول کرد که اثرات آن غالباً حاشیه‌ای است». به این دو اضافه کنید تابوانگاشتن و احتراز از انجام این دست پژوهش‌ها را از سوی پژوهش‌گران تاریخی. این سه عامل پیش‌گفته، کار بررسی تاریخی اطلاعات را با دشواری‌های فراوان روبرو می‌کند.

### ب. چرایی و چیستی مطالعات تاریخی در اطلاعات

تاریخ تکرار مکررات است. هدف از توجه به حافظه تاریخی این است که وقایعی که در تاریخ یک جامعه، دور یا نزدیک به وقوع پیوسته و قابلیت عبرت‌گرفتن را دارد، کندوکاو و بررسی نماید و درس‌هایی را برای استفاده در تجربیات جدید ارائه نماید. از این رو، هدف یک مورخ از

یادآوری تاریخ و زنده نگهداشتن حافظه تاریخی، بازسازی گذشته است که هم به نوعی معقول باشد و هم قابل درک، هر چند نمی‌توان صددرصد به این مرحله از شناخت دست یافت؛ ولی می‌تواند راهنمای مناسبی برای جامعه‌ای بهتر و آینده‌ای درخشان‌تر باشد. تاریخ برای هر جامعه و ملتی علاوه بر هویت، همانند حافظه برای مردم است (غنی، ۱۳۸۹: ۱۵). همان‌گونه که فرد بی‌حافظه در تقاطع‌ها و گذرگاه‌های مسیر گم می‌شود، انجام خود را به یاد نمی‌آورد و سرانجام خود را نیز تنها به دست تقدیر می‌سپارد، انسان، سازمان و جامعه نیز بدون درک گذشته خود، راه آتی را نخواهد یافت. ساختارهای بدون تاریخ مدون، همواره در کودکی باقی خواهند ماند و روی بلوغ نخواهند دید. با این حال آن‌گونه که موران به درستی تأکید می‌کند «تاریخ اطلاعات برای سالیان متمادی خواهر ناتنی موضوع تاریخ بوده است و از بی‌توجهی و درحاشیه قرار داشتن از سوی دیگر خواهران موفق خود در مطالعات تاریخی در رنج بوده است.» (Moran, 2011) تصاویر سیاه و سفید مخدوش از اطلاعات واقعیت این حرفه و نقش آن در سیاست‌گذاری را محو کرده است. تاریخ‌نگاری سازمان‌های اطلاعاتی در ذات خود دارای دو معنای کلی است: یک معنا این است که کنش‌گری سازمان‌های اطلاعاتی در رویدادهای تاریخی معاصر و گذشته یک جامعه را از زیر حجاب پنهان‌کاری خارج کرده و بازنمایی کند؛ معنای دوم این است که با استفاده از داده‌های طبقه‌بندی‌شده، برخی از رویدادها و وقایع تاریخی گمشده در روایت‌های رسمی تاریخی را معرفی نماید یا آنکه روایت دقیق‌تر و درست‌تری از رویدادهایی که تصور می‌کنیم آنها را می‌شناسیم، اما از جزئیات پشت پرده آن اخبار قابل اعتماد، روشن یا صحیحی در دست نیست، ارائه دهد. براین اساس، این بخش از مقاله چرایی تاریخ‌نگاری سازمان اطلاعاتی و کارکرد آن در امنیت ملی نظام‌های سیاسی را مورد واکاوی قرار می‌دهد.

### ج. تاریخ‌نگاری اطلاعاتی به مثابه بعد مفقوده تحولات تاریخی: آشکارکردن

#### ابعاد پنهان سیاست

سازمان‌های اطلاعاتی خط مقدم دفاع از نظام سیاسی چه در زمان صلح و چه در زمان جنگ هستند و از آن‌جا که اطلاعات در بستر سیاست فعالیت می‌کند، تاریخ اطلاعات می‌تواند و باید، بر روی میز سیاست‌گذاران قرار گرفته تا ابعاد مختلف اقدامات حریفان را برای آنان و از آن

بیش تر برای عموم مردم روشن سازد. این تاریخ می تواند پیچیدگی های موضوعات سیاسی را برای سیاست گذاران کاهش داده و باعث جهت گیری های جدید از طریق کاستن از عدم قطعیت ها شود. با این حال درک نادرستی از تاریخ نگاری سازمان اطلاعاتی وجود دارد و برخی نقش تاریخ نگاران را با عنوان «زنبوران کارگر» (Berridge, 2018: 369-381) به حداقل تقلیل می دهند. حتی با این نگاه تقلیل گرایانه نیز تاریخ نگاری اطلاعات، فراهم آورنده حقایقی برای مباحثات بیش تر است؛ برای مثال انتشار اسناد کودتای ۲۸ مرداد توسط سیا، روشن کننده زوایای پنهان ابعاد سیاست ایالات متحده و انگلیس در مورد ایران است یا انتشار اسناد مربوط به رهگیری و رمزشکنی اطلاعات علائم در جنگ جهانی دوم توسط متفقین موسوم به اولترا نیز از این جمله به شمار می آید (ر. ک. به: اندرو، ۱۳۹۶). آشکار شدن این زوایای پنهان، یادگیری از گذشته را برای سیاست گذاران و افکار عمومی امکان پذیر می سازد. بر این اساس بخشی از تاریخ نگاری سازمان های اطلاعاتی، پاسخ گویی به شبهات است. در این چارچوب تاریخ نگاری سازمان های اطلاعاتی تلاش می ورزد در میان سایه های موجود حاصل از پنهان کاری، آنچه که تصویر واقعی است را آشکار نماید زیرا تنها چنگ زدن به ظاهر سیاسی بدون در نظر گرفتن بعد پنهان اطلاعاتی، همانند استفاده از اره ای است که برخی از دنده های آن مفقود است. برای مثال هنگامی که تاریخ غافل گیری های نظام های سیاسی را مطالعه می نماییم، می بایست توجه خاصی به سازمان های اطلاعاتی بنماییم چراکه مهم ترین دلیل وجودی سازمان های اطلاعاتی، جلوگیری از غافل گیری استراتژیک است (ر. ک. به: لوونتال، ۱۳۹۴: ۱۵). غافل گیری استراتژیک ممکن است در سه بخش به وقوع بپیوندد: جمع آوری، تحلیل و سیاست گذاری. روشن شدن این که غافل گیری در چه بخشی به وقوع پیوسته و برای یادگیری از آن، لازم است تمام ابعاد غافل گیری که عمده آن در سازمان اطلاعاتی نهفته است، آشکار گردد. بدون این یادگیری، سوراخ گزیده شدن مجدد منافع ملی، کماکان باز است.



#### د. یادگیری از تجربه‌های اطلاعات در سیاست‌گذاری

«تاریخ به عنوان حافظه به افراد و سازمان‌ها کمک می‌کند که به یاد داشته باشد چه چیزی اشتباه بوده است و چه چیزی ارزش تکرار دارد» (Swoboda and Marinus Wiersma, 2009: 12).

تاریخ‌نگاری اطلاعات باعث می‌شود نظام سیاسی درس‌ها و آموزه‌های ناشی از نقش‌آفرینی اطلاعات در سیاست‌گذاری را درک کند. با آن که اطلاعات در نظام‌های مردم‌سالار تصمیم‌گیر نیست اما در جزء جزء فرایند تصمیم‌گیری مشارکت فعال داشته و تأثیرگذار است. تصمیم‌گیری در خلأ انجام نمی‌شود و سیاست‌گذاران با توسل به ورودی‌های شناختی خود مبادرت به اخذ تصمیم می‌کنند. اطلاعات علاوه بر یک عامل شناختی، در بخش‌های مختلف فرایند سیاست‌گذاری نیز در نقش‌های ناظر، مجری و گاهی عضو صاحب رأی در واحدهای تصمیم‌گیری ایفای نقش می‌کند. از آنجایی که اطلاعات یکی از ابزارهای کشورداری است، بی‌تردید سیاست‌گذاران باید چگونگی مدیریت و استفاده از این ابزار در فرایند سیاست‌گذاری را بیاموزند. یادگیری این آموزه‌ها به ویژه در نظام‌های مردم‌سالار که کارگزاران اجرایی به طور متناوب تغییر می‌کنند و ممکن است در اثر امواج انتخاباتی شاهد شکاف در انتقال تجربه از یک نسل به نسل دیگر کارگزاران باشیم، بسیار حائز اهمیت است. پنهان‌کاری و اعمال طبقه‌بندی بر نقش‌آفرینی اطلاعات در کشورداری، باعث می‌شود رویه‌های درست یا غلط حضور اطلاعات در فرایند سیاست‌گذاری در دسترس سیاست‌گذاران نسل جدید قرار نگیرد. از این رو، تاریخ‌نگاری اطلاعاتی می‌تواند روشی مؤثر برای انتقال این تجربیات در دوره‌های زمانی مختلف باشد. برای مثال غافل‌گیری اطلاعاتی که یکی از مسائل و موضوعات پربسامد در کشورداری است، ممکن است ناشی از خطا در سه گام جمع‌آوری، تحلیل و تصمیم‌گیری نهایی باشد. دو گام اول متعلق به اطلاعات است و دلایل بروز اشتباه در گام سوم را می‌بایست در سیاست‌گذاران جستجو کرد. جالب آن‌که همین پژوهش‌ها نشان می‌دهد، اغلب شکست‌های اطلاعاتی ناشی از خطا در گام سوم و نهفته در بی‌توجهی یا ناآگاهی‌های سیاست‌گذاران است. (Betts, Mahnken, 2003)

سیاست‌گذاران برای کار با اطلاعات می‌بایست درک درستی از ماهیت سازمان‌های اطلاعاتی و چگونگی بهره‌برداری، کنترل و حفظ عملکرد مناسب آن‌ها داشته باشند و تنها با درک دقیق نقش‌ها، کارکردها و در نهایت مأموریت‌های محوله به این سازمان‌هاست که می‌توانند کارکردهای

مورد انتظار از خود را به انجام برسانند. دست‌یابی به این مهم در چهارچوب تجربه‌های حاصل از انجام وظایف و مأموریت‌های اطلاعات در خلال سالیان گذشته به دست می‌آید. این در حالی است که پنهان‌کاری مانعی جدی در برابر انتقال تجربیات به نسل‌های جدید سیاست‌گذاران در مردم‌سالاری‌ها است. اطلاعات برخلاف تمامی دستگاه‌های دولتی در نظام‌های مردم‌سالار، از تناقض‌نمای میان شفافیت- پاسخ‌گویی از یک سو و پنهان‌کاری از سوی دیگر در رنج است. از یک سو کارآمدی اطلاعات در پنهان‌کاری نهفته است و در واقع ارزش افزوده اطلاعات را پنهان‌کاری تأمین می‌کند و از سوی دیگر، پنهان‌کاری با شفافیت و پاسخ‌گویی که اصل مسلم حکمرانی خوب می‌باشد، در تضاد است. در چنین شرایطی، مطالعات تاریخی اطلاعات، می‌تواند راهی میانه برای انتقال تجربیات مربوط به کاربست اطلاعات در کشورداری در میان نسل‌های مختلف کارگزاران یک نظام سیاسی یا حتی کارگزاران نظام‌های سیاسی مختلف باشد.

#### ۵. تاریخ‌نگاری سازمان اطلاعاتی و تقویت هویت و انسجام ملی

اگر تاریخ ایران را به چهار دوره شامل ایران پیش از باستان (پیش از هخامنشیان یا پیش از تاریخ)، ایران باستان (هخامنشیان تا پایان ساسانیان)، ایران پس از اسلام تا آغاز دوران معاصر (تا آغاز قاجار) و دوران معاصر (پس از قاجار) تقسیم نماییم، مشکل بزرگ موجود در مطالعات سه دوره اول تاریخی این است که شکاف‌های عمیقی میان داده‌های موجود به ویژه میان زوال دولت‌ها و ظهور دولت‌های جدید وجود دارد که سیاه‌چاله‌های تاریخی به شمار می‌روند. این امر به ویژه در موضوع اطلاعات امری است که مطالعات اطلاعاتی تاریخی را با مشکل روبرو می‌نماید چراکه همان‌گونه که گفته شد، در سرتاسر تاریخ، ماهیت پنهان‌کارانه اطلاعات تلاش نموده است در ریای تاریخ، گم و ناشناخته باقی بماند و ردی از خود برجای نگذارد. هرچه این گم‌شدگی قوی‌تر به انجام رسیده باشد، اطلاعات در بستری قوی‌تر عمل نموده است و می‌بایست آن را به موفقیت و قدرت اطلاعات مربوط ساخت. اما اشکالی که در این جا رخ نشان می‌دهد، این است که عدم وجود شواهد، محقق را نمی‌تواند به این رهنمون سازد که آیا اطلاعات وجود داشته است یا این که تلاش شده است اطلاعات پنهان شود. (سعادت و سالارکیا، ۱۳۹۶: ۲۰)

مشکل دیگری که در مطالعات تاریخی ایران در همه ادوار تاریخی گفته شده، بروز و ظهور قدرتمندی دارد، اتکای ایرانیان به دانش و معرفت شفاهی است. به همین دلیل نه تنها در دوران باستان، حتی در عصر حاضر نیز آن دسته افرادی که به دنبال مطالعات تاریخی اطلاعاتند و قصد بررسی آن را دارند، اسناد کافی مکتوب را نمی‌یابند. علاوه بر آن که بسیاری از مکتوبات تاریخی عصر باستان ایران در خلال سال‌های رفته بر آن، از دست رفته است. عدم توجه به تاریخ که از جمله آسیب‌های ایرانیان بر شمرده شده است، کار تاریخ‌نگاری اطلاعات در این دوران را با مشکلات عدیده مواجه می‌کند.

باید به همه این مشکلات، معضل دیگری را نیز افزود و آن این است که سنت ثبت وقایع در ایران باستان به صورت نظام‌مند وجود نداشته است و آنچه وجود دارد، بیش‌تر سبکی‌گزینشی اختیار کرده است و نه تام و تمام. از این رو، پژوهش‌گر با تکه‌هایی آشفته از جورچین تاریخ مواجه است که در هر صورت تلاش می‌کند، تعریف و تبیینی برای آن بیابد. در واقع همان‌گونه که شاهدی بیان می‌دارد «در نوشته‌ها و آثار مورخان و پژوهش‌گران، اخبار قابل اعتنا و متقنی درباره دستگاه‌ها و مراجع اطلاعاتی و امنیتی ایران باستان دیده نمی‌شود و اساساً محققان در این زمینه به ندرت به اطلاعاتی دست یافته‌اند» (شاهدی، ۱۳۷۶: ۱۷) بنابراین به طور کلی می‌توان گفت آنچه که از تاریخ اطلاعات باستان می‌بایست ارائه شود، همانند تاریخ‌نگاری این دوره و حتی به دلیل ویژگی‌های اطلاعات بیش‌از آن، محصول توسل به آثار تکه تکه موجود و حس تحلیل پژوهش‌گر تاریخی و جرأت وی برای ثبت معقول وقایع اطلاعاتی است.

به طور خلاصه می‌توان گفت در ایران پیش از هخامنشیان که از آن با نام عهد پیش از باستان یاد می‌شود، داده‌های چندانی از اطلاعات به چشم نمی‌خورد. به نظر می‌رسد که اطلاعات در این دوره در قالب عاملی برای بقا نقش داشته است. همان‌گونه که یک موجود برای زنده ماندن نیازمند دراختیارداشتن داده‌های کافی از جمله محل وجود غذا، عوامل تهدیدزا و عواملی از این دست است، زمامداران این دوران نیز به کسب این نوع اطلاعات نه به صورتی نظام‌مند دست می‌زدند. با ظهور هخامنشیان می‌باید گفت، تحولی عمیق در اطلاعات در ایران زمین به عنوان مهد بزرگ‌ترین تمدن‌ها به وقوع پیوست. هخامنشیان توانستند اطلاعات را به موضوعی راهبردی در کشورداری بدل نمایند. شاید تا قرن بیستم، هیچ ملت دیگری را نتوان یافت که ساختاری نظام‌مند

همانند سازمان‌های اطلاعاتی هخامنشیان برپا کند. تشکیل دولت هخامنشی در نیمه قرن ششم پیش از میلاد، تحولی عمیق در ارکان جهان شناخته شده پدید آورد. با تشکیل امپراتوری هخامنشی که صاحب‌نظران آن را پایه‌گذار نظام امپراتوری انسجام‌یافته و متشکل در جهان می‌دانند، ارتباطات سیاسی-اجتماعی و اداری بخش‌های مختلف، گسترش قابل‌اعتنایی یافت و با تقسیم‌بندی جدید جغرافیایی-سیاسی امپراتوری به ساتراپ‌های متعدد، موجب شد شاهان هخامنشی در صدد بهره‌گیری از شیوه‌های کارآمدتر نظام اطلاعاتی-امنیتی و خبررسانی برآیند تا میان مرکز امپراتوری با ساتراپ‌نشین‌های متعدد ارتباط لازم برقرار شود. حکیمون تصریح می‌کند: «در همین راستا بود که هم‌زمان با پدیدآمدن نخستین دستگاه‌های اداری-دیوانی انسجام‌یافته، اهمیت قابل توجهی به نظام‌های اطلاعاتی-امنیتی و خبررسانی داده شد تا «کار حفظ عدالت و امنیت را تسهیل کند». (حکیمون، ۱۳۸۶: ۲۰) بدین ترتیب بود که، حداقل از دوران سلطنت داریوش اول هخامنشی، دستگاه اطلاع‌رسانی و جاسوسی، تحت عنوان «چشم و گوش شاه» پا به عرصه وجود نهاد و با گماشتن مأمورانی در اقصی نقاط امپراتوری، کار نظارت بر امور مختلف کشور را به گونه‌ای نامحسوس، ولی تقریباً کارآمد، برعهده گرفت». در واقع داریوش اول را می‌توان به عنوان بنیان‌گذار دستگاه‌های اطلاعاتی در دنیا نامید. به همین جهت است که بوزمان (۱۳۸۲) معتقد است «در چارچوب مطالعات تطبیقی راجع به اطلاعات استراتژیک به نحوی که در پایان قرن بیستم مرسوم است، باید توجه خاص به پادشاهان هخامنشی ایرانی کرد».

پس از آن و با هجوم اسکندر، برای سال‌ها این امر به فراموشی سپرده شد اما رقیبا از جمله روم تلاش کردند الگوی هخامنشیان را به کار گیرند. در هر صورت واضح است که «با تضعیف و سپس فروپاشی امپراتوری هخامنشی، دستگاه اطلاعاتی-امنیتی آنان نیز راه زوال پیمود و از میان رفت و با تشکیل سلسله سلوکی (میراث‌خواران اسکندر)، نظمی نوین در عرصه سیاسی-اجتماعی و اداری کشور پدیدار شد و با ورود عناصر یونانی و هلنی به ساختار فرهنگی، اجتماعی و سیاسی ایران، در نظام‌های امنیتی-اطلاعاتی امپراتوری هم تغییر داده شد. ساتراپ‌نشین‌های پیشین به تدریج برچیده شدند و به جای آن‌ها واحدهای سیاسی-اداری کم‌تر متشکل تحت عناوین پلیس در سراسر امپراتوری بنیان نهاده شد که ارتباطات سیاسی-اداری و اطلاعاتی

هماهنگ تری با پادشاه سلوکی داشتند. در این میان، نیروهای نظامی نقش بسیار مهمی در انجام وظایف اطلاعاتی-امنیتی بر عهده داشتند. منابع موجود، نظام اطلاعاتی-امنیتی مستقل دیگری به جز این نیروها برای سلسله سلوکیان و میراث‌خواران اسکندر در ایران ثبت نکرده‌اند؛ در واقع تاریخ، صحبت چندانی از آن نکرده است. شاید به همین دلیل است که جانشینان اسکندر نتوانستند برای سال‌های زیاد در سرزمینی که از هخامنشیان به غنیمت گرفته بودند، باثبات بمانند» (دیاکونوف ۱۳۹۴: ۶۰-۷۷ و ۱۱۰-۱۳۰).

سپس با روی کار آمدن اشکانیان، دوباره نقش اطلاعات در کشورداری پررنگ می‌شود به نحوی که ساختاری نظام‌مند اطلاعاتی در امپراطوری زمان اشکانیان شکل می‌گیرد که وظیفه آن جمع‌آوری اطلاعات از حریفان بوده است. هخامنشیان مهم‌ترین وظیفه اطلاعات را در امر تسهیل کشورداری استان‌های تحت امر خود تجهیز کرده بودند درحالی که اشکانیان، وظیفه اطلاعات را در شناخت رقبای خارجی مهیا ساختند. در هر صورت هر دو این سلسله، بر اهمیت اطلاعات به نحوی ساختارمند واقف بودند و به آن اهتمام داشتند. ساسانیان نیز همین راه را با فراز و نشیب پیمودند به گونه‌ای که وحدت و تمرکزی که به وسیله دیوان و ارتش در قلمرو ساسانی با اهتمام به موضوع اطلاعات به وجود آمد، موجب استقرار امنیت بی‌سابقه‌ای در ایران شد.

در نگاهی کلی میان این سلسله حکومت‌ها در یک جمع‌بندی می‌توان گفت، پس از جانشینان اسکندر و دوره اشکانیان نیز اطلاعات استراتژیک آن گونه که در زمان هخامنشیان به انجام می‌رسید، ظهور و بروز نیافت: «به‌واقع در دوره اشکانیان، نظام اطلاعاتی-امنیتی منسجم و قابل توجهی تشکیل نشد و نظام سیاسی-اداری آن از نظمی استوار برخوردار نبود. به علت عدم تمرکز سیاسی و پراکندگی روابط میان شاه اشکانی با ایالات و بخش‌های مختلف و شکل‌گیری نوعی نظام ملوک‌الطوایفی، که رگه‌هایی از فرهنگ و تمدن یونانی را هم در خود نهفته داشت، امکان تأسیس دستگاهی که بتواند به گونه‌ای منظم و کارآمد روابط اطلاعاتی-امنیتی مرکز با ولایات را آسان گرداند و در حداقل باقی ماند. در آثار و منابع قابل دسترس، اشاره صریح و آشکار به وجود دستگاه اطلاعاتی-امنیتی سلسله اشکانیان نشده است. بنابراین، نظامی که از اوایل تأسیس سلسله هخامنشی برای انجام دادن وظیفه یک نظام اطلاعاتی-امنیتی تقریباً متمرکز و کارآمد شکل گرفته بود تا مدت‌ها پس از سقوط آن سلسله به دست فراموشی سپرده شد.»

(حکیمون ۱۳۸۶: ۲۲) با این همه «پادشاهان اشکانی نیز مأمورینی به نام چشم‌ها و گوش‌های شاه برای رسیدگی به شکایات و جلوگیری از تجاوز و تعدی از طرف خود گمارده بودند. لیکن با توجه به مدارک تاریخی برمی‌آید که وظیفه این مأمورین با همتهای خود در زمان هخامنشی اندکی تفاوت داشته و متمایز بوده است. موسی خورنی (۱۳۸۰) درباره آن‌ها، بیان کرده است: «دیگر از کارهای والارشاک تعیین ساعات بار و تشکیل شوراها و مواقع تفریح بود و او دو خبرگزار نصب کرد؛ یکی مأموریت داشت که شاه را از کارهای نیکی که باید انجام دهد، آگاه سازد و دیگری مواظبت کند که مبادا شاه در حال غضب فرمانی خارج از عدالت صادر نماید.» (اشرف احمدی، ۱۳۴۵: ۸۷)

به فراموشی سپرده شدن اقدامات راهبردی در امر اطلاعات در زمان ضعف حکمرانی در ایران را می‌توان تأییدی بر این امر دانست که اطلاعات قدرتمند و حکمرانی قوی، لازم و ملزوم یک‌دیگرند و هرگاه که نظام حکومتی قدرتمندی بر منطقه‌ای از جهان حاکم بوده است، بی‌شک می‌توان ردپای فعالیت‌های اطلاعاتی نظام‌مند را در آن‌جا مشاهده کرد. چنانچه این چرخه بازتولید یک‌دیگر را در دستور کار نداشته باشند، چرخه ضعف بر این فرایند مسلط خواهد شد. عدم پرداختن به تاریخ اطلاعات در ایران باعث شده است که وجود این عنصر کشورداری در تاریخ جهان به دست فراموشی و غفلت سپرده شود. با این که هنگامی از اطلاعات در تاریخ باستان یاد می‌شود، همواره نام آرتشتسترا هند (حدود ۳۰۰ سال پیش از میلاد) و هنر جنگ سان تزو (حدود ۵۰۰ سال پیش از میلاد) در چین آورده می‌شود، اما نام ایران با همه کسوت خود در امر کشورداری و اطلاعات (برای مثال هخامنشیان ۵۵۹-۳۳۰ قبل از میلاد)، محلی از اعراب ندارد. جالب آن که گفته می‌شود هر دو این کتاب‌ها به پیروی از الگوی کشورداری و راهبری اطلاعات راهبردی در کشورداری با گرده برداری از مدل پارسیان به رشته تحریر درآمده است. این همه از جایگاه تاریخ اطلاعات در کشورداری ایران‌زمین در مقایسه با اطلاعات دو تمدن تاریخی یعنی هند و چین گفته شد، تا بر درک تاریخی کشورداری این مرز و بوم از اطلاعات (به عنوان بعدی به فراموشی سپرده شده) تأکید گردد؛ بعدی که هویت تاریخی کشورداری و سیاست‌گذاری عمومی ایران به شمار می‌آید. روایت تاریخ اطلاعات به این قدمت و اهمیت می‌تواند تصویر قدرتمندی از کشور ارائه دهد و اطلاعات در این بعد می‌تواند به نماد هویت ملی تبدیل شود. این

امر وقتی خود را بیش‌تر به نمایش می‌گذارد که می‌بینیم تلاش نظام‌مندی برای هرچه به فراموشی سپردن این عنصر مهم در تاریخ کشورداری ایران از سوی برخی مراجع غربی در دستور کار قرار دارد. این در حالی است که رژیم صهیونیستی با ساختار جعلی خود و بنا بر نقصان قابل‌توجه این رژیم در وجود هرگونه سابقه تاریخی و اشتراکات و نمادهای فرهنگی، به منظور به دست آزدن و چنگ‌زدن بر عناصر هویتی، در چندین سال اخیر تلاش کرده است، مוסاد را به عنوان نماد و برندی از رژیم صهیونیستی معرفی نماید.

### ز. روایت تاریخ بر اساس مصالح سیاسی

«تاریخ‌نگاران و سیاست‌مداران هر دو به طور دائم و در تلاشی هماهنگ در بازسازی تاریخی کشورهای متبوع مشارکت دارند؛ تلاش برای تعریف یا بازتعریف هویت ملی. چیزی که فرآیند آن در آلمان پس از جنگ جهانی دوم و اسپانیای پس از رژیم فرانکو و در حال حاضر در اروپای شرقی و مرکزی پس از فروپاشی کمونیسم در حال وقوع است.» ( Swoboda and Marinus, 2009: 20) اگرچه این امر موضوعی مهم است اما چگونگی وقوع آن و راهی که به باز تعریف می‌انجامد، موضوعی پس قابل تأمل است. این‌که چگونه بتوان جنبه‌های مثبت و منفی گذشته را تعادل بخشید چراکه «سیاست‌گذاران از تاریخ به نفع خود سود می‌برند» ( Brands and Suri, 2016: 2). بر اساس این نگاه، اطلاعات آن‌گونه که دارژیوسکا (۲۰۱۹) بیان می‌دارد، ابزار «جنگ خاطرات» است به این شکل که قرائت سرویس از وقایع تاریخی آن‌گونه که نظام سیاسی می‌طلبد به انجام برسد. بر این اساس، نظام سیاسی به در دست گرفتن تاریخ سرویس اطلاعاتی با بازپروری اعتماد درون سیستم خود و تقویت حس میهن‌پرستی اقدام می‌کند. تعریف ساواک یا پلیس سیاسی رضاشاه به عنوان «دشمن ملت» برای یادآوری دوران دیکتاتوری در این زمره جای دارد. این کار به صورت نظام‌مند می‌تواند راه را بر روی جااعلان تاریخ ببندد اما از سوی دیگر می‌تواند در صورت بی‌توجهی مشکل سیاست‌زدگی تاریخ را رقم بزند.

#### ۵. مطالعات تاریخی اطلاعات: تقویت حرفه اطلاعات

اطلاعات در معنای کارکردی آن، فعالیتی است که در قالب حرفه قابل انجام می‌باشد. ویژگی حرفه، تکرارپذیری و توسل به تجربه است. تمامی حرفه‌ها از گذشته خود تا حدی سود

می‌جویند. پزشکان برای عارضه‌یابی نیاز دارند سابقه پزشکی و تاریخی بیمار خود را لحاظ نمایند. مهندسی که به بررسی علل بروز ترک در یک پل می‌پردازد، نیازمند بررسی سوابق تاریخی ساخت پل اعم از نقشه‌ها، مواد مصرفی، چگونگی بروز ترک‌ها و چگونگی فرایند اجراست. حقوق‌دانان در کیس‌های خود اساساً بر موارد تاریخی تمرکز می‌یابند. جرج پاتون ژنرال آمریکایی تصریح می‌کند «برای یک سرباز موفق بودن باید تاریخ را مطالعه کرد» (Cohen, 2005: 575-588).

جیمز اولسون (۲۰۰۱)، رئیس اسبق ضداطلاعات سیا، چهارمین فرمان از ده فرمان ضداطلاعات خود را «اطلاع از تاریخ ضداطلاعات» اعلام می‌دارد. این دسته مطالعات تاریخی همان چیزی است که ارنست می و متعاقباً ریچارد نیوستادت (۱۹۸۵) اصطلاح «مسئله تاریخ‌محور» را برای آن به کار می‌گیرند. تاریخی که کاربرد آن به وقایع، حوادث و مشکلات خاص معطوف شده است. اغلب حرفه‌ها از تاریخ جزئی (میکروتاریخ) به شکل مطالعات موردی سود می‌جویند، لذا مطالعات تاریخی و در شکل نوین‌تر آن، مطالعات موردی به عنوان یکی از انواع مطالعات تاریخی که توجه خود را بر کسب نتایج و استفاده آن در تجربیات آتی دیگر می‌گذارد، در انجام حرفه‌ها امری با اهمیت و رایج است. اطلاعات هم از این امر مستثنی نیست. اطلاعات تلاش می‌کند از اشتباهات گذشته خود درس گرفته و عملکرد خود را بهبود بخشد. چیزی که از آن با نام «درس‌های آموخته‌شده» یاد می‌شود. این که چرا سندروم چوپان دروغگو به وقوع می‌پیوندد یا چرا و چگونه سیاست‌زدگی اطلاعات ایجاد می‌شود؛ نقش اطلاعات در سیاست‌گذاری عمومی چیست و چگونه اطلاعات می‌تواند برای سیاست‌گذاران مثرتر باشد؟ همه و همه یادگیری از مطالعات تاریخی است. اما یک اصل متعارف (اگزایوم) در اطلاعات وجود دارد که یادگیری را در این حرفه با تأخیر و کندی مواجه می‌کند و آن این است که اطلاعات حرفه‌ای است که موفقیت‌های آن در بیرون از سازمان خود مخفی بماند و تنها شکست‌هاست که اعلام می‌شود چراکه پنهان‌ماندن موفقیت‌های اطلاعات، تضمینی برای ادامه آن است، اما تاریخ‌نگاران می‌توانند با بیرون کشیدن هر دو موفقیت‌ها و شکست‌های تاریخی اطلاعات، آنان را در معرض قضاوت‌های حرفه‌ای قرار دهند. با این توصیف، شاید یکی از دلایل عدم توفیق اطلاعات به عنوان یک علم در مقایسه با علوم دیگر از جمله مدیریت این باشد که تلاش نظام‌مندی برای توجه به مطالعات تاریخی یا مطالعات موردی به انجام نرسیده است یا حداقل برای انجام و بروزیافتن،



امکان پژوهشی در اختیار جامعه دانشگاهی و محققین قرار نگرفته است. این مطلب را کوهن (۲۰۰۵) به خوبی در خصوص نیروهای نظامی بیان کرده است که بدون اغراق می‌توان گفت در مورد اطلاعات نیز صحت دارد: «متبحران نظامی و تاریخ‌نگاران علی‌رغم تأکیدی که بر ارزش اطلاعات به رشته تحریر درآمده برای دانشجویان و کارورزان این حرفه دارند با این حال، مطلب چندانی برای ارائه آماده نکرده و هنوز تاریخ‌نگاری این مهم، اهمیت چندانی ندارد». این بی‌توجهی را به خوبی می‌توان در بررسی زمینه‌ها و علل غافل‌گیری اطلاعاتی نظام نوپای جمهوری اسلامی ایران در حمله عراق به ایران در سال ۱۳۵۹ مشاهده کرد.

### ح. تبیین نقش‌های اطلاعات در سیاست‌گذاری و رسمیت داده‌شدن به حضور مطلوب اطلاعات در نظام سیاسی

چگونه می‌توان از تمام توانایی سازمان‌های اطلاعاتی سود جست، بدون آن‌که تاریخ آن‌ها را مورد مطالعه و تدقیق قرار داد. مطالعه تاریخ اطلاعات به موضوعاتی از این دست که این سازمان‌ها چه می‌کنند؟ به چه کسانی خدمت می‌کنند؟ چگونه این کار را به انجام می‌رسانند؟ چه نقش‌هایی را می‌توانند برای سیاست‌گذاران بازی کنند؟ پاسخ می‌دهد. طبق ادعای لن اسکات و پیتر جکسون (۲۰۰۴: ۳۲) نقش اطلاعات در جنگ سرد و روابط بین‌الملل در کل کماکان انکار می‌شود. کریستوفر اندرو اطلاعات را بعد مفقوده روابط بین‌الملل می‌داند (همان: ۳۴). شاهد مثال اظهارات جرج بوش به این موضوع است که اطلاعات علائم «مهم‌ترین عامل» در روابط خارجه او بوده‌اند، می‌باشد. (اندرو، ۱۳۹۶). این بدان معنا است که توانایی‌ها و نقش‌های اطلاعات در کشورداری دچار ابهام و برداشت‌های متفاوت است. به همین دلیل است که حتی در تعریف اطلاعات نیز اجماع وجود ندارد و این مفهوم دچار مناقشه است؛ و بخش مهمی از این عدم درک یا سوء برداشت در عدم مطالعات تاریخی نهفته است.

همان‌گونه در آغاز بحث نیز بیان شد نقش‌های اطلاعات (نظارتی، شناختی، اجرایی) (ر. ک. به: میرمحمدی، ۱۳۹۰) در گستره وسیع امنیت ملی پراکنده و وسیع است. هر رژیم سیاسی و هر کشوری بنا به نگاه و رویکرد خود به این نقش‌ها می‌نگرد که ریشه در عواملی دارد که در مجموع می‌توان از آن با نام «فرهنگ اطلاعات ملی» یاد کرد (ر. ک. به: فتین، ۲۰۱۳). بنا به همین عوامل

(که خارج از بحث است) این نقش‌ها قابل بحث و توسعه یا تقلیل است. مطالعات تاریخی اطلاعات می‌تواند این نقش‌ها را تبیین و واضح کرده و به آن‌دسته نقش‌هایی را که مطلوب به نظر می‌رسد، رسمیت ببخشد؛ این رسمیت‌بخشی، حتی می‌تواند به شکل قانونی (دربالترین شکل رسمیت‌دهی) به انجام برسد.

### ط. مطالعات تاریخی اطلاعات: بنیانی قوی برای تولید نظریه‌های اطلاعات

با این که (همان‌گونه که در قبل گفته شد)، اطلاعات قدمتی به اندازه خود تاریخ دارد، نتوانسته است در قامت علم، نظریات متنوعی را که اساس محکمی برای اتکای علم اطلاعات به آن شود، ارائه کند. همان‌طور که والتر لاکوئر در سال ۱۹۸۵ تصریح می‌کند و کماکان صحت آن به قوت خود باقی است (لاکوئر، ۱۹۸۵: ۸) «تمامی تلاش‌ها برای توسعه جاه‌طلبانه نظریه اطلاعات به شکست انجامیده است». تجربیات به انجام رسیده بسیار فراوان که از آن‌ها با نام کیس‌های اطلاعاتی در حرفه اطلاعات یاد می‌شود، می‌تواند زمینه‌های مناسبی را برای تولید و بسط نظریه‌های اطلاعات فراهم آورد. شاید بتوان گفت دقیق این معنا را کلوزویتس بیان می‌دارد «مثال‌های تاریخی همه‌چیز را روشن می‌سازد، و فراهم آورنده بهترین نوع اثبات در زمینه علوم تجربی است... با این حال این مثال‌ها به ندرت تأثیر مثبتی برجای گذاشته است» (کلوزویتس به نقل از (Cohen, 2005: 575-588)). «پژوهش‌های کیس‌محور بر اساس بایگانی‌های اطلاعاتی، نان و کره مطالعات اطلاعاتی است» (Torres, 2014) کیس‌های اطلاعاتی قابلیت انجام پژوهش به صورت استقرایی را داشته و می‌تواند چرخه پژوهش را سامان بخشد. فعالیتی که به صورت هدفمند با قدرت از سوی نشریات اطلاعاتی به ویژه غربی دنبال می‌شود. در اولین قدم پاسخ‌گویی به این سؤال که «اطلاعات چیست؟» در چارچوب «نظریه اطلاعات» امکان‌پذیر است (ر. ک 12-18). (Davies, 2009). مجموعه‌ای که بر اساس آن چارچوب‌های این حرفه، اقدامات آن، چگونگی نظارت بر آن و همه آن‌چیزی که برای حفظ محرمانگی اطلاعات لازم است تا هم کارایی حفظ شود و هم اصول حکمرانی خوب که همان پاسخ‌گویی است، رعایت شود، در مطالعات کیس‌های تاریخی اطلاعات نهفته است. در مطالعات تاریخی اطلاعات می‌بایست ترکیبی از تاریخ‌نگاران اطلاعاتی و علوم مرتبط نظیر جامعه‌شناسی، علوم سیاسی و روابط

بین‌الملل در فرایند همکاری، به دنبال تدقیقی از نظریه اطلاعات باشند. خمیرمایه این مطالعه، تاریخ‌نگاری دقیق و عمیق اطلاعاتی شامل کیس‌های اطلاعاتی و سازمان‌های اطلاعاتی نهفته است. اما متأسفانه با آن که در برخی از کشورها مراکز مطالعات اطلاعاتی در دانشگاه‌ها تأسیس شده است، با این حال هیچ مرکز مطالعات اطلاعاتی در هیچ یک از دانشگاه‌های دولتی (و نه دستگاهی) جمهوری اسلامی ایران وجود ندارد. بنابراین در یک جمله باید بر این کلام کریستوفر اندرو (۱۳۹۶: ۱۰۹) صحنه گذاشت که «مطالعات اطلاعاتی در قرن بیست و یکم باید چشم‌اندازهای تاریخی و موضوعی خود را گسترش دهند... پژوهش‌های اطلاعاتی نیازمند یک چشم‌انداز تاریخی هستند...».

### نتیجه‌گیری

اطلاعات عنصری دائمی و ضروری در کشورداری محسوب می‌شود که پنهان‌کاری عنصر حیاتی و هستی‌شناختی آن به شمار می‌رود. به همین دلیل، نقش اطلاعات در تاریخ کشورها به دلایل ذاتی همواره پنهان باقی مانده است. پژوهش حاضر نشان می‌دهد که مطالعه تاریخ اطلاعات در کشورداری و امنیت ملی، هفت نتیجه مهم و قابل توجه ذیل سه فرضیه ما (سه بعد) را در برخواهد داشت. از میان این نتایج، سه مورد به خود حرفه اطلاعات (فرضیه سوم) باز می‌گردد. این سه عبارتند از مطالعات تاریخی اطلاعات: تقویت حرفه اطلاعات، مطالعات تاریخی اطلاعات: بنیانی قوی برای تولید نظریه‌های اطلاعات، تبیین نقش‌های اطلاعات در سیاست‌گذاری و رسمیت داده شدن به حضور مطلوب اطلاعات در نظام سیاسی. دو مورد آشکارکردن زوایای پنهان ابعاد سیاست، یادگیری از تجربه‌های اطلاعات در سیاست‌گذاری ذیل فرضیه اول ما یعنی تاریخ‌نگاری به مثابه بعد مفقوده تاریخ تحولات سیاسی قرار دارند و در آخر، دو مورد تقویت هویت و انسجام ملی و روایت تاریخ بر اساس مصالح سیاسی ذیل فرضیه دوم ما یعنی بعد تاریخ‌نگاری سازمان اطلاعاتی و هویت ملی قرار گرفتند.

## منابع

- اشرف احمدی، احمد (۱۳۴۵)، *قانون و دادگستری در شاهنشاهی ایران باستان*. چاپخانه بانک بازرگانی.
- امیرخانی، امیرحسین، سالارکیا، غلامرضا، صادقیان قراقیه، سعید (۱۳۹۵)، مطالعه تطبیقی نشریات اطلاعاتی دانشگاهی در جمهوری اسلامی ایران و غرب: رویکرد تبیینی در برابر رویکرد تاریخی، *نشریه علمی پژوهشی پژوهش‌های اطلاعاتی*، سال پانزدهم، شماره ۴۱.
- اندرو، کریستوفر (۱۳۹۶)، *پیشینه اطلاعات از سال ۱۹۳۹*، در: سرویس‌های اطلاعات ملی: نقد حال درک آینده، گریگوری اف ترورتون، ویلهلم آگرل، ترجمه: معاونت پژوهش و تولید علم، دانشگاه اطلاعات و امنیت ملی.
- بوزمان، آدا ب. (۱۳۸۲)، *اطلاعات استراتژیک و کشورداری*، ترجمه و انتشار: پژوهشکده مطالعات راهبردی حکمیون، اقبال (۱۳۸۶)، *سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی ایران تا پایان دوره رضاشاه تهران*: مؤسسه مطالعات تاریخ ایران معاصر.
- دمارانش، کنت (۱۳۸۰)، *جنگ جهانی چهارم: دیپلماسی و جاسوسی در عصر خشونت*، ترجمه: سهیلا کیانتاز، انتشارات اطلاعات.
- سالارکیا، غلامرضا (۱۳۹۸)، نقش رژیم صهیونیستی در ترور شهید سپهبد قاسم سلیمانی، ابرار معاصر تهران.
- سالارکیا، غلامرضا (۱۳۹۱)، تحول مفهوم پنهان‌کاری: از ویژگی هستی‌شناختی تا ابزاری برای فعالیت اطلاعاتی، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، شماره ۵۶.
- سعادت، غلامرضا و سالارکیا، محمدرضا (۱۳۹۶)، *تاریخ اطلاعات در ایران: از ایلام تا قاجار*، تهران: دانشگاه اطلاعات و امنیت ملی.
- شاهدی، مظفر (۱۳۸۶)، ساواک: سازمان اطلاعات و امنیت کشور، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- غنی، سیروس (۱۳۸۹)، *ایران، برآمدن رضاخان، برافتادن قاجار و نقش انگلیس‌ها*، ترجمه: حسن کامشاد، تهران: انتشارات نیلوفر.
- لوونتال، مارک ام. (۱۳۹۴)، *اطلاعات: از اسرار تا سیاست* (ویرایش دوم)، ترجمه: معاونت پژوهش و تولید علم، تهران: انتشارات دانشگاه اطلاعات و امنیت ملی.
- میرمحمدی، مهدی (۱۳۹۰)، *سازمان‌های اطلاعاتی و سیاست خارجی: مطالعه موردی نقش سازمان سیا در سیاست خارجی آمریکا*، تهران: مؤسسه تحقیقات و مطالعات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- میرمحمدی، مهدی و سالارکیا، غلامرضا (۱۳۹۳)، *سازمان‌های اطلاعاتی: چهارچوبی برای تحلیل*، تهران: مؤسسه تحقیقات و مطالعات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- وارنر، مایکل (۱۳۹۴)، *صعود و سقوط اطلاعات*، ترجمه معاونت پژوهش و تولید علم، تهران: دانشگاه اطلاعات و امنیت ملی.

Andrew, Christopher (2018), *The Secret World: A History of Intelligence*, Yale University Press.

Andrew, Christopher and Dilks, David (eds.) (1984), *The Missing Dimension: Governments and Intelligence Communities in the Twentieth Century*, London: Macmillan.

- Berridge, Virginia (2018), **Why Policy Needs History (and Historians)**, Health Economics, Policy and Law.
- Betts, Richard K. & Mahnken, Thomas (2003), **Paradoxes of Strategic Intelligence**, Frank Cass.
- Brands, Hal & Suri, Jeremi (2016), **The Power of the Past: History and Statecraft**, Brookings Institution Press.
- Cohen, Eliot A. (2005), **The Historical Mind and Military Strategy**, Orbis, Vol. 49, No. 4.
- Halevy, Effraim in: Shlomo Shpiro (2001), The Media Strategies of Intelligence Services, **International Journal of Intelligence and CounterIntelligence**, Vol. 14, No .
- Darczewska, Jolanta (2019), Memory Wars: History, Politics and Special Services of the Russian Federation, **Internal Security Review**, Vol. 20. No. 19.
- Davies, Philip (2009), **Ideas of Intelligence: Divergent National Concepts and Institutions, in Secret Intelligence: A Reader**, ed. C. Andrew, R. J. Aldrich, and W. Wark, London: Routledge.
- Laqueur, Walter (1985), **A World of Secrets: The Uses and Limits of Intelligence**, New York: Basic Books 1985.
- Kent, Sherman (1994), **The Need for an Intelligence Literature**, in Donald P. Steury (ed.), Sherman Kent and the Board of National Estimates: Collected Essays, Washington DC: CIA Center for the Study of Intelligence.
- Moran, Christopher R. (2011), The Pursuit of Intelligence History: Methods, Sources, and Trajectories in the United Kingdom, **Studies in Intelligence**, Vol. 55, No. 2.
- Olson, James M. (2001), A Never-Ending Necessity: The 10 Commandments of Counterintelligence, **Studies of Intelligence**, No. 11.
- Pateman, Roy (2003), **Residual Uncertainty: Trying to Avoid Intelligence and Policy Mistakes in the Modern World**, University Press of America.
- Torres, Efen (2014), The Limitations of History to the Field of Intelligence, available at: <https://www.e-ir.info/2014/02/14/the-limitations-of-history-to-the-field-of-intelligence/>
- Neustadt, Richard E. & May, Ernest R. (1985), **Thinking in Time: The Uses of History for Decision Makers**, New York: Free Press .
- Phythian, Mark (2013), **Cultures of National Intelligence**, in: Routledge Companion to Intelligence Studies, Robert Dover, Michael S. Goodman, Claudia Hillebrand (eds), Routledge.
- Ransom, Harry Howe (1984), **Secret Intelligence in the United States, 1947–1982: The CIA's Search for Legitimacy**, in Christopher Andrew and David Dilks (eds.), *The Missing Dimension: Governments and Intelligence Communities in the Twentieth Century*: London: Macmillan.
- Scott, Len & Jackson, Peter (2004), **Understanding Intelligence in the Twenty-First Century: Journeys in Shadows**, Routledge.
- Swoboda, Hannes and Marinus Wiersma, Jan (2009), **Politics of the Past: The Use and Abuse of History**, The Socialist Group in the European Parliament.
- Brennan, John (2020). **Undaunted**, New York: Celadon Books.